

## بیمهٔ مرهونه

میشم اکبری دهنو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۰۴

مرتضی شهبازی نیا<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶

### چکیده

هرچند قانون بیمه تنها امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را مورد پیش‌بینی قرار داده است، به‌لحاظ وجود نفع بیمه‌ای، راهن نیز از این حق برخوردار خواهد بود. در بیمهٔ مرهونه اصولاً مسئولیت بیمه‌گر ناشی از فرض اتلاف یا تلف مرهونه است. در هر کدام از این حالات نیز بسته به این‌که بیمه‌گذار راهن و یا مرتهن باشد احکام و آثار بیمهٔ مرهونه متفاوت است. در صورت اتلاف مرهونه از سوی بیمه‌گذار، شرکت بیمه‌گر مسئولیتی بر عهده ندارد. با وجود این در صورت اتلاف مرهونه از سوی شخصی غیر از بیمه‌گذار، بیمه‌گر مکلف به جبران خسارت از بیمه‌گذار است. در فرض تلف مرهونهٔ بیمه‌شده، آنچه مهم و در خور است، بیمهٔ مرهونه از سوی راهن است. قانون مدنی در این باره حکمی ندارد؛ اما آنچه از مبانی حقوق مدنی و فقهی در این مسئله قابل استنباط است، ادامهٔ تعلق حق مرتهن نسبت به خسارات پرداختی از سوی شرکت بیمه است.

واژگان کلیدی: بیمه، مرهونه، تلف، اتلاف، راهن، مرتهن

---

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس قم) و پژوهشگر گروه حقوق مدنی پژوهشگاه

meysam.dehno@gmail.com

قوه قضائیه (نویسندهٔ مسئول)

shahbazina@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

## ۱. مقدمه

رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد.<sup>۱</sup> حصول اطمینان برای طلبکار (مرتهن)، به منظور پرداخت دین از سوی مدیون (راهن)، مقتضای عقد رهن است. از این رو چنانچه در سررسید دین، مدیون اقدام به پرداخت دین ننماید، مرتهن خواهد توانست از محل مال مورد رهن که «مرهونه» یا «مرهونه» نامیده می‌شود استیفای طلب نماید.

بقا و پایداری مرهونه برای راهن و مرتهن حائز اهمیت است؛ چه آن‌که هر دو ایشان به جهت حفاظت از مال در مقابل صدمات احتمالی، و در صورت بروز صدمات، جبران خسارات ناشی از این صدمات منتفع هستند. دستیابی به هدف اخیر، به وسیله بیمه نمودن مرهونه برای راهن و مرتهن امکان‌پذیر است.

امروزه بیمه نمودن مرهونه در دادوستدهای اقتصادی چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال در بعد داخلی، بعضی از بانک‌ها با دریافت وجوهی از وام‌گیرندگان، اقدام به بیمه نمودن مرهونه‌گیرنده وام می‌نمایند تا در سررسید وام، بدون هیچ دغدغه‌ای از محل رهن مبادرت به وصل طلب نمایند. در بیع بین‌الملل نیز این طریق حائز اهمیت است. به عنوان مثال، در مبادلات بین‌المللی، بانک‌های گشایش‌دهنده اعتبار، به موجب قراردادهای مقدماتی، کالای موضوع اعتبارات اسنادی را در رهن خود قرار می‌دهد تا چنانچه خریدار برای واریز مبلغ اعتبارات اسنادی مراجعه ننماید، بانک از محل فروش آن کالاها اقدام به وصول طلب می‌نماید (آل شیخ، ۱۳۸۴).

در قانون بیمه، قانون‌گذار امکان بیمه نمودن مرهونه را در ماده ۷ این قانون بیان نموده است. به موجب این ماده «طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد. در این صورت هرگاه حادثه‌ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از

خساراتی که بیمه‌گر باید پردازد تا میزان آنچه بیمه‌گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت».

در ماده فوق، تنها به امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن اشاره شده است و صحبتی از امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی راهن به میان نیامده است. این در حالی است که هم راهن و مرتهن در مورد جبران خسارت از مرهونه در فرض ایراد خسارت از آن دارای نفع بیمه‌ای هستند. از این رو سؤال نخست آن است که در فرض بیمه نمودن عین مرهونه از سوی راهن، و با فرض ورود خسارت به مرهونه، وضعیت خسارات پرداختی بیمه‌گر چگونه خواهد بود؟ آیا در این رهگذر مرتهن بدون این که دخالتی در عقد بیمه داشته باشد نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر سهم است؟

همچنین آنچه از واژه «حادثه» در ماده ۷ قانون بیمه بر مبنای تبادر<sup>۱</sup> ممکن است به ذهن خطور یابد، فرض تلف مرهونه است. این در حالی است که از بین رفتن مرهونه ممکن است به دلیل اتلاف (و نه تلف مرهونه) باشد. پرسش مطرح آن است که آیا شرکت بیمه‌گر در فرض اتلاف مرهونه مسئولیتی بر عهده دارد؟ در فرض مسئولیت شرکت بیمه‌گر وضعیت خسارات پرداختی، و نیز نحوه توزیع آن میان راهن و مرتهن چگونه خواهد بود؟

قانون بیمه پاسخی را به سؤالات فوق ارائه نمی‌دهد. در حقیقت پرسش‌های مطروحه فوق مهم‌ترین ابهامات مطرح در رابطه با بیمه مرهونه است. هدف نویسندگان در این نوشتار، بررسی مفهوم بیمه مرهونه با توجه به اصول حقوق بیمه و حقوق مدنی است.

به‌طور کلی مسئولیت شرکت بیمه‌گر یا ناشی از تلف و یا ناشی از اتلاف مرهونه است. از همین رو مناسب است بر همین مبنا مطالب مقاله مورد بررسی

---

۱. در اصطلاح علم اصول، تبادر به معنی پیشی گرفتن یک معنی نسبت به معانی دیگر در ذهن شنونده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶ ه. ق.).

قرار گیرد. اما پیش از ورود به بحث با توجه به اهمیت دو مفهوم تلف و اتلاف در این نوشتار، به تعریف و ذکر مهم‌ترین تفاوت این دو بپردازیم.

## ۲. تفاوت تلف و اتلاف

در حقیقت دو مفهوم اتلاف و تلف به لحاظ از بین رفتن مال مشترک هستند. با وجود این، این اشتراک نباید تصور همسان بودن این دو مفهوم را ایجاد نماید؛ چه آن‌که میان این دو نهاد تفاوت‌های ظریفی وجود دارد.

توضیح آن‌که اصولاً آنچه باعث تحقق اتلاف می‌شود، عامل انتساب مستقیم (و بلاواسطه)<sup>۱</sup> است؛ چه آن‌که در این مورد عمل شخص اتلاف‌کننده به صورت مستقیم و بلاواسطه منجر به از بین رفتن مال می‌شود؛ هرچند در این رهگذر، هیچ‌گونه قصد و عمدی را نتوان به متلف (به جهت تلف نمودن مال) نسبت داد (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱).

با وجود این در تلف، عامل اصلی تحقق اتلاف یعنی عنصر انتساب وجود ندارد. به تعبیر دیگر آنچه را که باعث از بین رفتن مال می‌شود نمی‌توان به شخصی منتسب نمود، هرچند که مال در تصرف شخص مورد تلف واقع شود؛ مانند از بین رفتن مال به علل قهری مانند طوفان، سیل، زلزله و ... (محقق داماد، ۱۳۸۹).

---

۱. در حقیقت در فقه اتلاف در یک مفهوم کلی از سوی فقها مورد بررسی قرار می‌گیرد. توضیح آن‌که در یک تقسیم‌بندی کلی اتلاف به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب تقسیم می‌شود. آنچه در اتلاف بالمباشره (اتلاف مستقیم) مهم است مستقیم بودن عمل متلف و تلف مال است. این در حالی است که در اتلاف بالتسبیب آنچه مهم است غیر مستقیم بودن عمل متلف (که اصطلاحاً سبب نامیده می‌شود) و تلف مال است. در حقیقت هم در اتلاف مستقیم و هم در اتلاف غیر مستقیم عنصر «انتساب» وجود دارد. از این رو تفاوت اتلاف غیر مستقیم و تلف نیز در همین نکته است که در اولی عنصر انتساب هرچند به صورت غیر مستقیم وجود دارد، لیکن در تلف عنصر انتساب وجود ندارد. شایان ذکر است که در مورد تأثیر ارتکاب تقصیر (اتلاف غیر مستقیم) از سوی هر کدام از راهن و مرتهن در فرض اتلاف مرهونه بیمه‌شده در ادامه بحث و انتهای بحث بیمه رهنه در فرض «اتلاف مرهونه» سخن خواهد شد.

### ۳. بیمه مرهونه در فرض «اتلاف» مرهونه<sup>۱</sup>

گفته شد که به لحاظ وجود نفع بیمه‌ای، راهن و مرتهن هر کدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارند. نفع بیمه‌ای راهن، بقای مال خویش و نفع بیمه‌ای مرتهن بقای مال برای استیفای طلب خویش در سررسید دین از محل رهن است.

ممکن است مال مرهونه توسط راهن، مرتهن یا شخص دیگری تلف شود. به شقوق متعدد فوق لازم است دو حالت دیگر نیز افزوده شود و آن این‌که بعد از انعقاد عقد رهن مال مرهونه در تصرف راهن یا مرتهن باشد.

با عنایت به مراتب فوق می‌توان حالات مختلفی را متصور شد. به همین جهت به منظور بیان و درک بهتر مطالب بهتر است شقوق مختلف فوق در دو فرض مورد بحث واقع شود.

• در فرض نخست، حالتی مورد بحث قرار داده می‌شود که راهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده، و

• در فرض دوم حالتی مورد بحث قرار داده می‌شود که مرتهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده باشد.

---

۱. در حقیقت بیمه مرهونه از اقسام بیمه‌های خسارت و به طور خاص از اقسام بیمه‌های اموال است. به طور کلی مشخصه مشترک بیمه‌های خسارت آن است که همگی در صدد جبران خسارت وارده ناشی از حادثه‌اند (بابایی، ۱۳۹۰). شرکت‌های بیمه‌گر در این قسم از بیمه‌ها با پرداخت مبالغی در صدد جبران خسارت ناشی از تلف عین مرهونه بر خواهند آمد. این در حالی است که در حقوق مدنی هنگامی که از بدل صحبت به میان می‌آید با توجه به ماده ۹۵۰ قانون مدنی و بسته به مثلی و یا قیمی بودن مال، نحوه جبران خسارت متفاوت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷). با توجه به مراتب فوق ممکن است گفته شود که در فرض تلف مرهونه میان این دو نظام جبران خسارت تفاوت وجود دارد؛ چه آن‌که در اولی عملاً بدل به صورت مبالغی پولی و در دومی بدل باید حسب مورد، در صورت مثلی بودن مثل و در صورت قیمی بودن قیمت مال تلف شده باشد. البته در فرض قیمی بودن، به لحاظ نوع جبران خسارت تعارضی میان جبران خسارت از منظر حقوق بیمه و حقوق مدنی وجود ندارد. در مورد اموال مثلی نیز این دوگانگی در جبران خسارت نمی‌تواند ایرادی را بحث حاضر وارد سازد؛ چه آن‌که در این هر دو نظام آنچه مهم است طبیعت جایگزینی جبران خسارت است، و نه تشابه و همگونی جبران خسارت.

### ۳-۱. بیمه مرهونه از سوی راهن

چنانچه راهن اقدام به بیمه مرهونه نموده باشد و خودش اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد (خواه مال در تصرف وی و یا مرتهن و یا دیگری باشد)، شرکت بیمه گر مسئولیتی نخواهد داشت. چه آن که به موجب ماده ۱۴ قانون بیمه «بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود».

در حقیقت اتلاف عمدی بیمه گذار در اتلاف مال خویش از مصادیق بارز تقصیر بیمه گذار است و حقوقدانان عمد بیمه گذار در اتلاف نمودن مال خود را از مصادیق بارز تقصیر عمدی می دانند (بابایی، ۸۸).<sup>۱</sup> به همین جهت بیمه گذار خود باید بر اساس موازین پیش بینی شده در قانون مدنی<sup>۲</sup> در مقابل مرتهن پاسخگو باشد و در این رهگذر، بیمه گر حمایتی از وی در مقابل مرتهن نمی نماید.

با وجود این، اگر شخص دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد خواه مال در تصرف راهن باشد، خواه نباشد، بیمه گر موظف به جبران خسارت از بیمه گذار خواهد بود؛ چه آن که در ماده ۱۴ قانون بیمه صرفاً تقصیر بیمه گذار موجب عدم مسئولیت بیمه گر می شود.

بیمه گر می تواند پس از جبران خسارت به طبیعت قائم مقامی<sup>۳</sup> خویش از بیمه گذار، علیه واردکننده زیان اقدام به مطالبه خسارت وارده نماید. در حقیقت

---

۱. به لحاظ حقوق تطبیقی مسئول نبودن بیمه گر در مورد خسارات عمدی متناسب به بیمه گذار از اصول به رسمیت یافته است؛ به عنوان مثال در ماده ۱-۱۱۳ قانون بیمه فرانسه به عدم پوشش بیمه برای خسارات عمدی تصریح شده است. همچنین در حقوق عرفی انگلستان که بر پایه رویه دادگاهها برقرار شده است این طریق مورد پذیرش دادگاهها واقع شده است (Birds and Hird, 2001).

۲. به موجب ماده ۷۹۱ قانون مدنی چنین پیش بینی شده است: «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود».

۳. قائم مقامان خاص متعاقدين اشخاصی هستند که به دلیل انتقال مال یا حق معینی، آثار قراردادهای انتقال دهنده نیز همراه آن مال یا حق به آنها منتقل شده، در این زمینه جانشین ناقل می گردند (مولودی، ۱۳۸۳). از نظر حقوق بیمه، امروزه در قوانین بسیاری از کشورها راه حل استرداد مزایا و هزینه ها در قالب

به موجب مادهٔ ۳۰ قانون بیمه «بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم‌مقام بیمه‌گذار خواهد بود و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافعی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود». از سوی دیگر به موجب مادهٔ ۷ قانون بیمه در صورت بیمه‌گشتن مرهونهٔ شرکت بیمه، در ازای طلب طلبکار (مرتهن) در مقابل وی پاسخگو خواهد بود. البته با تجمیع شرایط مربوط به تهاتر از قبیل اتحاد میزان، زمان سررسید، و جنس طلب<sup>۱</sup> این دو طلب با یکدیگر قابل تهاتر شدن هستند.

### ۳-۲. بیمهٔ مرهونه از سوی مرتهن

چنان مرتهن اقدام به بیمهٔ مرهونه و سپس اقدام به اتلاف آن نموده باشد خواه مرهونه در تصرف وی باشد، خواه در تصرف راهن یا دیگری، بیمه‌گر مسئولیتی در مقابل وی نخواهد داشت. همچنین در این فرض، میان حق مرتهن علیه راهن (بابت اصل طلب) و حق راهن علیه مرتهن (بابت اتلاف مرهونه) تقابل به وجود می‌آید، که البته در صورت حصول شرایط لازم، امکان استناد به تهاتر ممکن خواهد بود.<sup>۲</sup>

نظریهٔ قائم‌مقامی (subrogation) پذیرفته شده است، با این توضیح که شرکت بیمه‌گر پس از جبران زیان به واردکنندهٔ زیان مراجعه می‌نماید.

۱. ممکن است ایراد شود که جانشینی و قائم‌مقامی بیمه‌گر از بیمه‌گذار اقتضای آن را دارد که بیمه‌گر دقیقاً بابت همان طلب بیمه‌گذار حق مراجعه به مدیون را داشته باشد. از سوی دیگر گفته شد که در نظام تدارک خسارت بیمه اصل بر پرداخت مبالغ پولی است. از این رو بیمه‌گر با پرداخت مبالغ پولی در صدد جبران خسارت طلبکار (مرتهن) است. با این اوصاف یکی از شروط اصلی تهاتر که همان اتحاد جنس طلب است در ما نحن فیه مخدوش خواهد بود.

۲. این که پاره‌ای از بزرگان بدون اعمال شرایط تهاتر، قائل به سقوط طلب اصلی مرتهن از راهن در فرض اتلاف مرهونه توسط مرتهن گشته‌اند می‌تواند مورد ایراد باشد (نجفی (کاشف‌الغطاء)، ۱۳۵۹ ه ق، همدانی، ۱۴۲۰).

اما چنانچه راهن یا دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، خواه مال در تصرف مرتهن باشد و خواه نباشد (به عنوان مثال در تصرف راهن یا دیگری باشد) از سویی بیمه گر با عنایت به عدم تقصیر مرتهن نسبت به تدارک خسارت وی اقدام می نماید و از سوی دیگر با عنایت به تکلیف متلف در برابر مرتهن طلبکار، برای تهیه بدل و تحقق این دین به واسطه اتلاف مال،<sup>۱</sup> بیمه گر جانشین طلبکار گشته، حق مطالبه خسارت از متلف را خواهد داشت.

در حقیقت به موجب ماده ۷۹۲ قانون مدنی در صورتی که راهن اقدام به تلف نمودن (اتلاف) عین مرهونه نموده باشد مکلف به تهیه بدل برای مرتهن است. وجود این دین برای طلبکار، مبنای قائم مقامی شرکت بیمه برای مراجعه به متلف (راهن) خواهد بود.

در پایان بحث، ذکر نکته ای ضروری است، و آن این که همان گونه که گفته شد قسم دیگری از اتلاف مال، (در یک تقسیم بندی کلی) اتلاف به صورت غیر مستقیم است که اصطلاحاً آن را تسبیب می نامند. سؤال مطرح این است که آیا در فرض تسبیب، مطالب و تقسیم بندی مطرح در مقوله اتلاف مرهونه می تواند مجدداً ارائه شود؟<sup>۲</sup>

پاسخ به این سؤال به رغم ظاهر فریبنده ماده ۱۴ قانون بیمه منفی است. به دیگر سخن هر چند در این ماده مقنن صراحتاً اظهار داشته است که بیمه گر مسئولیتی در قبال تقصیر بیمه گذار نسبت به مال موضوع بیمه ندارد، همان گونه که حقوقدانان به درستی گفته اند این تقصیر صرفاً مربوط به «خسارات عمدی» بوده، ارتباطی به تقصیر در معنای سببیت در تحقق اتلاف نیست (بابایی، ۸۸). پس اگر راهن و مرتهن تقصیراً «مسبب» تلف شدن مرهونه شده باشند بیمه گر موظف به جبران خسارت از ایشان خواهد بود. در این رهگذر هیچ تفاوتی نمی نماید که هر کدام از

۱. ماده ۷۹۱ قانون مدنی

۲. به عنوان مثال، راهن یا مرتهن به صورت غیر مستقیم، مسبب تلف مال شده باشد.

راهن و مرتهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده، یا این که مرهونه با تقصیر هر کدام از آن‌ها تلف شده باشد.

البته به عنوان یک استثنا می‌توان گفت که اگر تقصیر سبب در تلف مال به گونه‌ای باشد که عرف آن را اقوی از مباشر اتلاف تلقی نماید، به مانند حالتی است که بیمه‌گذار عمداً اقدام به اتلاف مال می‌نماید.

#### ۴. بیمه مرهونه در فرض «تلف» مرهونه

گفته شد که تلف ناظر به حالتی است که در آن عنصر انتساب وجود ندارد، و به تعبیر واضح‌تر از بین رفتن مال مرهونه به دلایلی واقع می‌شود که نمی‌توان آن را به شخص یا اشخاصی نسبت داد. در این فرض نیز ممکن است هر کدام از راهن و مرتهن مبادرت به بیمه نمودن مرهونه نموده باشند. از این رو هر کدام از این دو فرض را به نحو مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

##### ۴-۱. بیمه مرهونه از سوی مرتهن

مقنن در ماده ۷ قانون بیمه صراحتاً فرض بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را پیش‌بینی نموده است. در این ماده چنین می‌خوانیم: «طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد. در این صورت هرگاه حادثه‌ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه‌گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه‌گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت».

در حقیقت فلسفه اصلی بیمه مرهونه در فرض تلف آن، جلوگیری از اضمحلال حق مرتهن است؛ چه آن‌که به لحاظ حقوقی در فرض تلف مرهونه به دلایل قهری حق الرهانه مرتهن از بین می‌رود.<sup>۱</sup>

---

۱. با وجود این که در قانون مدنی صراحتاً به سقوط حق الرهانه مرتهن در فرض تلف مرهونه اشاره‌ای نشده است، این نظر از مواد مرتبط قانون مدنی به روشنی قابل استنباط است؛ از جمله آن‌که در ماده ۷۹۱ قانون

شایان ذکر است که بیمه‌گر تنها در مقابل طلب مرتهن از راهن (صاحب مال) خسارات وی را جبران می‌نماید و نسبت به مابقی طلب قیمت مرهونه از مرتهن جبران خسارتی به عمل نمی‌آورد. به‌عنوان مثال اگر الف از ب مبلغ ۱ میلیون تومان طلبکار بوده و ب برای پرداخت بدهی خویش اتومبیل ۵ میلیون تومانی خود را در رهن طلبکار قرار داده و طلبکار نیز در طی قرارداد جداگانه‌ای با شرکت بیمه‌گر مبادرت به بیمه نمودن اتومبیل نموده و پس از مدتی، مرهونه به علل قهری تلف شده باشد، از یک سو شرکت بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار مکلف به جبران خسارت در حدود ۲ میلیون تومان است (یعنی همان طلب بیمه‌گذار (الف) علیه صاحب مال (ب))، و از سوی دیگر نسبت به مابقی مبلغ جبران خسارت را باید به صاحب مال پرداخت نماید. این حکم در حالی است که مرتهن همه حق بیمه را به شرکت بیمه‌گر پرداخت نموده است.<sup>۱</sup>

در حقیقت فلسفه عدم پرداخت تفاوت قیمت مرهونه و طلب مرتهن از راهن به بیمه‌گذار (در مثال فوق مبلغ ۳ میلیون تومان) به دلیل این اصل بنیادین است که عقد بیمه هیچ‌گاه نباید موجب افزایش دارایی بیمه‌گذار را فراهم آورد.<sup>۲</sup>

---

مدنی صرفاً اتلاف مرتهن مورد عنوان قرار داده شده و صحبتی از تلف مرهونه نشده است. نیز در ماده ۲۴۲ قانون مدنی تلف مرهونه مورد شرط در قرارداد موجبی را برای تدارک بدل آن توسط مشروط علیه فراهم نمی‌آورد. همچنین به لحاظ فقهی نیز پاره‌ای از فقها قائل به سقوط حق الرهانه مرتهن شده‌اند. علامه حلّی (ره) در تذکرة الفقهاء در این باره چنین می‌فرماید: و إذا تلف الرهن بأفة سماویة، بطل الرهن (علامه حلّی، ۱۴۱۴ ه.ق).

۱. نکته جالب آن است که علاوه بر منتفع گشتن مرتهن (به‌واسطه حصول اطمینان از استیفای طلب از محل جبران خسارت به‌عمل آمده توسط شرکت بیمه)، راهن نیز به‌وضوح از ثمرات بیمه مرهونه از سوی مرتهن بهره‌مند می‌شود؛ چه آن‌که از سویی حق بیمه‌ای از سوی وی پرداخت نشده است و از سوی دیگر پرداخت مابقی مبلغ قیمت مرهونه به وی در حالی است که اگر مرهونه بیمه نمی‌شد، به‌واسطه تلف مرهونه جبران خسارتی از وی به عمل نمی‌آمد (برخلاف اتلاف که همواره متلف در برابر صاحب مال مسئول خواهد بود).  
 ۲. شایان ذکر است که در حقوق مسئولیت مدنی این اصل با عنوان بازگشت وضعیت زیان‌دیده به قبل از ورود خسارت شناخته می‌شود (Cena, 2006). به‌موجب این اصل که تا حدود زیادی با اصل منع افزایش

نکته‌ای که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است که در حقوق مدنی در صورتی که در سررسید دین، راهن دین اصلی را به مرتهن پرداخت ننماید، مرتهن در صورتی که برای فروش مرهونه وکالت نداشته باشد برای استیفای طلب از محل مرهونه به حاکم مراجعه می‌کند تا به اذن حاکم از محل مرهونه استیفای طلب نماید. به موجب ماده ۷۷۹ قانون مدنی «هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و راهن هم برای فروش آن و ادای دین حاضر نگردد، مرتهن به حاکم رجوع می‌نماید تا اجبار به بیع یا ادای دین به نحو دیگر بکند».<sup>۱</sup>

با وجود این، ماده ۷ قانون بیمه، حکمی متعارض با ترتیب ماده ۷۷۹ قانون مدنی را بیان می‌نماید؛ چه آن‌که در این ماده پیش‌بینی شده است که پس از تلف مرهونه، بیمه‌گر باید بدواً طلب مرتهن را تأدیه نماید. این در حالی است که در قانون مدنی استحقاق مرتهن به مرهونه منوط به شرایطی است که البته مهم‌ترین آن عدم تأدیة دین از سوی راهن در وعده است، و پس از آن صرفاً یا با وکالت اخذ شده از راهن است، یا با اجازه حاکم.<sup>۲</sup>

دارایی بیمه‌گذار به واسطه عقد بیمه در حقوق بیمه قابل انطباق است (بادینی، ۱۳۸۷) جبران خسارت از سوی جبران‌کننده خسارت باید به نحوی باشد که وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از ورود زیان برگردد (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

۱. در حقیقت در فقه و قانون مدنی گفته می‌شود که شرط تملک قهری مرهونه به مرتهن باطل دانسته شده است.

۲. در مورد شرط وکالت برای فروش مرهونه گفته شده است که این شرط به معنی عدم نیاز به مقام‌های عمومی است. در مورد فلسفه لزوم مراجعه برای استیفای حق از مرهونه به مقام‌های عمومی (حاکم) نیز حمایت از بدهکارانی است که از فرط اضطرار مجبور به قبول شرایط وام‌دهندگان برای اعطای وام به ایشان می‌شود؛ چه آن‌که در صورت عدم این شرط، وام‌دهندگان (مرتهن) در رسید به راحت‌ترین شکل ممکن مرهونه را به وسیله تحمیل شرط بر وام‌گیرنده (راهن) تملک می‌نمودند. به همین جهت گفته شده است شرط تملک قهری مرهونه باطل است (کاتوزیان، ۱۳۸۹). در ماده ۲۰۸۸ قانون مدنی فرانسه نیز همچون قانون مدنی ایران شرط عدم نیاز برای مراجعه به مقام‌های قضایی برای فروش مرهونه باطل است.

در این مورد سؤال مطرح این است که آیا ترتیب پیش‌بینی شده در قانون بیمه با عنایت زمان تصویب آن در سال ۱۳۱۶ می‌تواند در حدود خود منحصر قانون مدنی، مصوب سال ۱۳۰۷ باشد؟

به نظر می‌رسد که می‌توان حکم دو ماده را به نحوی جمع نمود؛ چه آن‌که مفاد دو ماده در صدد بیان دو حکم متفاوت هستند. در حقیقت در قسمت اخیر ماده ۷ قانون بیمه، قانون‌گذار صرفاً در صدد بیان چگونگی توزیع خسارت در میان رهن و مرتهن است و در ماده ۷۷۹ قانون مدنی قانون‌گذار در صدد بیان ترتیب استیفای حق مرتهن از مرهونه است.

کوتاه کلام آن‌که بر اساس موازین پیش‌بینی شده در حقوق مدنی، در فرض تلف مرهونه بیمه‌شده، شرکت بیمه قبل از حلول طلب مرتهن (بیمه‌گذار) حق پرداخت خسارت را به بیمه‌گذار ندارد و این پرداخت باید پس از حلول دین و عدم پرداخت دین از سوی رهن (صاحب مال) و به حکم حاکم انجام شود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲. بیمه مرهونه از سوی رهن

در این فرض رهن، به‌عنوان صاحب مال اقدام به بیمه نمودن عین مرهونه نموده و متعاقباً عین مرهونه به‌عللی غیر قابل انتساب تلف می‌شود. حال پرسش اصلی آن است که آیا مرتهن در حالی که حق بیمه‌ای پرداخت نموده است، حقی نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر، برای استیفای دین اصلی خود از رهن (بیمه‌گذار) خواهد داشت یا نه؟

---

۱. در دنیای کنونی تجارت و اقتصاد، مهلت پرداخت دین نیز خود دارای ارزش اقتصادی است. از این رو استیفای حق از رهن یا بدل آن در قبل از حلول دین نمی‌تواند با توافق اولیه طرفین همسویی داشته باشد (التعجیل لعقوبه لم یثبت موجبها؛ اکبری دهنو و دیگران، ۱۳۹۱)

در قانون بیمه چنین فرضی از سوی قانون‌گذار مورد پیش‌بینی واقع نشده است؛<sup>۱</sup> چه آن‌که در این قانون، قانون‌گذار صرفاً در حکمی کلی به بیان امکان بیمه نمودن عین مرهونه از سوی مرتهن بسنده نموده، و اشاره‌ای به فرض مورد نزاع در زمینه بیمه نمودن مرهونه توسط راهن و چگونگی تعلق حق مرتهن بعد از تلف گشتن آن ننموده است.

چنانچه قانون‌گذار در قانون مدنی بحثی از زوال یا عدم زوال حق مرتهن در فرض تلف مرهونه می‌نمود، این موضوع از باب وحدت ملاک می‌توانست قابل حل باشد. با وجود این در قانون مدنی نیز صراحتاً چنین امری پیش‌بینی نشده است.<sup>۲</sup>

البته در فقه مشهور فقها عقیده بر زوال حق مرتهن در فرض تلف دارند (علامه حلی، ۱۴۱۴ ه.ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه.ق؛ حکیم، ۱۴۱۶ ه.ق).

هرچند در قوانین موضوعه نصی که «به صراحت» اقدام به چاره‌جویی موضوع نماید وجود ندارد، می‌توان تحلیل حقوقی موضوع را با بهره‌گیری از روح مواد مرتبط متصور شد.

توضیح آن‌که در ماده ۷۹۱ چنین پیش‌بینی شده است که «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف‌کننده بدل آن را

---

۱. قابل ذکر است که در ماده ۱۹ شرایط عمومی بیمه آتش‌سوزی، صاعقه و انفجار چنین پیش‌بینی شده است که «بیمه‌گر مکلف است حقوق قانونی مرتهن را در مورد اموال بیمه‌شده اعم از منقول و غیر منقول تا حدود حداکثر تعهد خود در پرداخت خسارت رعایت نماید. حقوق مرتهن نسبت به اموال بیمه‌شده مزبور باید به اطلاع بیمه‌گر رسیده باشد». البته همان‌گونه که در ماده ۱ این شرایط عمومی بیان شده است مواد پیش‌بینی شده در شرایط عمومی (با ابتکار بیمه مرکزی) جنبه پیشنهادی دارد و به دیگر شرایط عمومی با توافق بیمه‌گذار و بیمه‌گر قابل اسقاط می‌باشد.

۲. البته همان‌گونه که گفته شد، می‌توان چنین گفت که به‌صورت ضمنی قانون‌گذار در قانون مدنی عقیده به زوال حق مرتهن دارد.

بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود». حقوقدانان چینی بدلی را «بدل قهری» عنوان نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

آنچه به‌طور واضح و مستقیماً از نص ماده مستفاد می‌شود این نکته است که در صورت اتلاف مرهونه (خواه راهن، خواه مرتهن یا دیگری) متلف می‌باید بدل مال تلف‌شده را بدهد. اما به نظر می‌رسد که ماده مزبور علاوه بر معنای صریح دارای یک معنای ضمنی دیگری نیز می‌باشد و آن این‌که به‌موجب این ماده در هر موردی که بتوان بدلی را برای مرهونه متصور شد، آن بدل قهراً باید به‌عنوان مرهونه در قید حق مرتهن قرار گیرد.

در حقیقت مفهوم رهن قهری با مفهوم «بدل» مورد تداعی قرار می‌گیرد. از این رو در هر موردی که بتوان بدلی را برای عین مرهونه متصور شد حق‌الرهنانه مرتهن نسبت بدان تعلق خواهد گرفت.

تصور نرود که مفاد این بحث تنها به فرض شایع فوق که همان تلف مرهونه بیمه‌شده است اختصاص دارد. در قالب مثال ذیل بهتر می‌توان از مفاد قاعده ابداع‌شده دفاع نمود:

چنانچه غاصبی مرهونه را غصب و با فرض وجود مال امکان عودت مال را به مالک نداشته باشد، مطابق قواعد حقوق مدنی غاصب ملزم به دادن بدل حیلوله به مالک است (کاتوزیان، ۱۳۸۷). در این مثال نه اتلاف حادث گردیده است و نه تلف. با وجود این برقراری حق‌الرهنانه نسبت به بدل حیلوله قابل دفاع است.

همچنین تصور نشود که دادن بدل بابت مرهونه تلف‌گشته تنها در حالت بیمه شدن مرهونه امکان‌پذیر است تا امکان استناد به قاعده گفته‌شده وجود داشته باشد؛<sup>۱</sup> چه آن‌که در موارد دیگر نیز امکان استناد به قاعده گفته‌شده وجود دارد. به‌عنوان

---

۱. مراد قاعده گفته شده است؛ قاعده‌ای که در طی آن در هر مورد که بتوان بدلی را برای مرهونه تلف‌شده متصور شد، برقراری حق‌الرهنانه نسبت بدان قابل دفاع است. فرض بارز این قاعده فرض اتلاف رهینه است. با وجود این مفاد این قاعده در فرض تلف رهینه نیز می‌تواند مجری باشد.

مثال چنانچه مرهونه به رسم و دیعه در اختیار دیگری قرار داده شده است، با فرض تلف شدن مرهونه با آفات سماوی و قهری و البته در دوران تقصر امین، مطابق قواعد حقوق مدنی امین موظف به پرداخت بدل به مالک (راهن) خواهد بود (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱). در این حالت هرچند مرهونه بیمه نشده است، بدلی برای آن متصور است، که البته با توجه به وجود بدل برای مرهونه تلف شده برقراری حق الرهانه نسبت به بدل قابل دفاع خواهد بود.

چنین عقیده‌ای نه تنها به لحاظ قانونی دارای پشتوانه است، بلکه به لحاظ فقهی نیز قابل دفاع خواهد بود. مناسب است که به ترتیب، نقاط اتکای عقیده مطرح شده را از منظر فقهی بیان نماییم:

۱- به موجب اصل استصحاب، اصل بقای حق است. در حقیقت تحقق عقد رهن، حقی پایدار و ثابت و حتی عینی را برای مرتهن موجب شده است. در حالت تلف مرهونه و بیمه شدن آن قبل از تلف، شکی پدید می‌آید که ناشی از این سؤال است که آیا با وجود این که جایگزینی برای مرهونه وجود دارد حق مرتهن از بین رفته است یا نه؟

وانگهی اصل استصحاب (البته با تلقی حق الرهانه به عنوان مستصحب و نه نفس مرهونه به عنوان مستصحب)<sup>۱</sup> اقتضای عدم زوال حق مرتهن با تلف مرهونه را دارد؛ چه آن که به موجب این اصل یقین سابق با شک لاحق از بین نمی‌رود.

۱. در حقیقت یکی از نکات بسیار مهم در استناد به اصل عملی استصحاب تشخیص و تمیز «موضوع» در یقین سابق و در شک لاحق است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲) به تعبیر دیگر باید با دقت نظر موضوع یقین سابق و موضوع شک لاحق را در ابتدا شناسایی کرد و سپس در صورت وحدت به سراغ سایر شرایط استصحاب رفت. در حقیقت همان گونه که اصولیین در این باره گفته‌اند «... در صورتی نقض یقین سابق، به وسیله شک لاحق محقق می‌شود که موضوع متیقن و مشکوک عرفاً یکی باشد...» (شهید صدر، ۱۴۲۱ ه.ق). اصولیین در این راستا ملاک برای شناسایی موضوع را «حکم عرف» قرار داده‌اند (پیشین، ۱۴۲۱ ه.ق؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ ه.ق). با این تفسیر به نظر می‌رسد که در بحث ما آنچه به عنوان موضوع استصحاب (مستصحب) باید در نظر گرفته شود حق الرهانه مرتهن است.

ممکن است بر راقم سطور ایراد شود که این اصل در جایی که جایگزینی برای مرهونه وجود ندارد نیز مجال طرح می‌یابد. پس در این فرض نیز با استناد اصل استصحاب لاجرم باید قائل به ادامه حق مرتهن گشته، راهن را ملزم به تهیه بدل برای مرتهن نمود؟

چنین ایرادی قابل دفع است؛ چه آن‌که اولاً تدارک بدل مرهونه نه از وظایف بیمه‌گذار (راهن) بلکه از وظایف بیمه‌گر است. در حقیقت بیمه‌گر محتاط و آینده‌نگر با پرداخت حق بیمه اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده است. نیز آن‌که حصول شک و تردید ناشی از این مقدمه است که بیمه مرهونه موجب وجود بدل برای آن در فرض تلف گشتن آن است. در حقیقت از جمله شرایط ضروری برای مجرا گشتن اصل استصحاب این است که مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته باشد (محقق داماد، ۱۳۸۷).

در فرض تلف مرهونه بدون بیمه گشتن آن، مورد استصحاب قابلیت دوام و ادامه یافتن را ندارد؛ با وجود این در فرض تلف مرهونه بیمه‌شده، مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته، از این رو استناد به استصحاب برای حکم به تعلق حق مرتهن خالی از وجه نخواهد بود.

ممکن است این ابهام مطرح شود که بیمه نمودن مرهونه النهایه موجب دارا شدن بدون جهت مرتهن می‌شود؛ زیرا راهن علاوه بر از کف دادن مرهونه، هزینه‌ای را برای بیمه نمودن آن پرداخت نموده، و نیز علاوه بر تعلق قهری حق مرتهن بر بدل پرداخت شده از سوی بیمه‌گر، راهن ملزم خواهد بود در سررسید دین خویش را تأدیه نموده و در غیر این صورت از محل بدل مرهونه استیفای دین خواهد شد.

چنین ابهام ایرادگونه‌ای می‌تواند محل تأمل باشد؛ چه آن‌که راهن بدون این‌که تکلیفی در راستای بیمه نمودن مرهونه داشته باشد، مبادرت به بیمه نمودن مرهونه کرده و البته مرتهن از ثمرات آن بهره‌مند می‌شود. در حقیقت مرتهن در سررسید

بدون این که دغدغه‌ای برای استیفای طلب خود داشته باشد به صورت راحت‌تری به طلب خود نائل می‌آید.

با وجود این، توهّم دارا شدن غیر عادلانه از سوی مرتهن را باید از ذهن زدود؛ چه آن که چنین اقدامی از سوی راهن در بیمه نمودن مرهونه از سویی می‌تواند گواه نفع شخصی راهن در بیمه نمودن مرهونه باشد. به عنوان مثال در آن هنگام که قیمت مرهونه به مراتب از طلب مرتهن بیشتر باشد بدون تردید راهن نیز در بیمه نمودن مرهونه دارای نفع شخصی است. به دلیل گفته شده استناد به دارا شدن غیر عادلانه مرتهن خالی از وجه است؛ چه آن که از جمله شروط لازم برای تحقق دارا شدن غیر عادلانه آن است که نفعی به شخصی که به دارا شدن غیر عادلانه دیگری استناد می‌کند نرسیده باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲). این در حالی است که در فرض ما گفته شد که نوعاً بیمه نمودن مرهونه کاشف از نفع شخصی راهن است.

نیز بهره‌مندی مرتهن از بدل مرهونه که از سوی بیمه‌گر پرداخت می‌شود، مستقیماً موجب افزایش دارایی مرتهن نمی‌شود؛ چه آن که صرفاً اقتضای رهن حصول اطمینان بیشتر در وصول طلب است. بدیهی است که این امر به خودی خود موجب افزایش دارایی مرتهن نمی‌شود. در حقیقت مرتهن صرفاً یک طلب را بر عهده راهن طلبکار است. این در حالی است که از جمله ضروریات قاعده دارا شدن غیر عادلانه افزایش مستقیم دارایی‌های دیگری است (پیشین، ۱۳۹۲؛ السنهوری، ۱۹۶۷).

این اصل صرفاً جایی استثنا می‌شود که مورد رهن تلف گشته و امکانی برای جایگزین نمودن آن نباشد؛ اما در آن هنگام که جایگزینی را بتوان برای مورد رهن قرار داد اصل مزبور اقتضای عدم زوال حق مرتهن را دارد.

۲- قاعده «فیما یخالف الاصل یقتصر علی الموضع المتیقن»، در فقه مؤید این نکته است که آن دسته از احکامی که امری خلاف اصل را بیان می‌نمایند باید تا حد امکان به نحو مضیق مورد تفسیر واقع شوند.

به موجب قاعده فقهی مزبور، اصل بقا و تعلق حق مرتهن بر عین مرهونه اقتضا دارد که سقوط حق مرتهن بر عین مرهونه صرفاً به جایی اختصاص یابد که دیگر امکانی برای تعلق حق وجود نداشته باشد. این عدم تعلق حق مرتهن، در بحث ما صرفاً حالتی را شامل می شود که مرهونه تلف گشته و اصطلاحاً با سالبه انتفاع گشتن موضوع حق، حق نیز زایل گشته و دیگر امکانی برای تعلق حق مرتهن وجود نداشته باشد. در حقیقت تلف مرهونه ای که بدلی برای آن متصور نیست، حکم خلاف اصل خواهد بود؛ چه آن که تنها در این فرض است که حق مرتهن از بین می رود.

وانگهی در آن مواردی که مرهونه تلف گشته لیکن امکان جایگزین نمودن مرهونه و تصور استمرار حق برای مرتهن وجود داشته باشد، به حکم قاعده فقهی مزبور نمی توان قائل به زوال حق مرتهن شد؛ چه آن که از منظر فقهی، توسعه حکم خلاف قاعده جایز نیست.

از منظر حقوق تطبیقی در قانون بیمه فرانسه این موضوع با دقت نظر قانون گذار فرانسوی مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۳-۱۲۱ این قانون پیش بینی شده است که بیمه گر باید از محل خسارت پرداختی بابت تلف گشتن مرهونه به صورت مستقیم طلب مرتهن را به وی پرداخت نماید.

## ۵. نتیجه گیری

می توان نتایج حاصل از تحقیق حاضر را به شرح بندهای ذیل خلاصه کرد:

- ۱- راهن و مرتهن هر کدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارا هستند، و بیمه گر باید پس از ورود خسارت به مرهونه نسبت به تدارک خسارت از بیمه گذار اقدام نماید.
- ۲- فرض مسئولیت بیمه گذار، یا ناشی از اتلاف یا ناشی از تلف مرهونه است. مهم ترین تفاوت میان اتلاف و تلف نیز قابلیت انتساب است؛ امری که در اولی موجود و در دومی مفقود است.

۳- چنانچه بیمه‌گذار خود اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، با توجه به ایراد خسارت عمدی توسط بیمه‌گذار، شرکت بیمه اقدامی نسبت به جبران خسارت به عمل نمی‌آورد؛ لیکن چنانچه این امر توسط شخص ثالث انجام گرفته باشد، نظر به فقد عنصر خسارت عمدی، شرکت بیمه موظف به جبران خسارت است.

۴- در مورد تلف مرهونه بیمه‌شده نزاع و اختلاف اصلی در فرضی است که بیمه مال به وسیله رهن انجام گرفته باشد. این که مرتبه نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر استحقاقی را داراست یا نه، کانون نزاع در این فرض است.

گفته شد که بر اساس مبانی حقوق مدنی و حتی مبانی مأخوذ از فقه، می‌توان در این زمینه، نظریه‌ای را تأسیس نمود. به موجب این نظریه که عبارت است از «برقراری قهری حق الرهانه مرتبه نسبت به بدل مرهونه از بین رفته (خواه به واسطه اتلاف، خواه به واسطه تلف)». در چنین فرضی نیز مرتبه نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر در اولویت است و باید در ابتدا طلب وی از محل بدل پرداخت شود.

## منابع

۱. آل شیخ، محمد، ۱۳۸۴، شرایط ماهوی صحت عقد بیمه و ساختار شکلی آن، فصلنامه صنعت بیمه، شماره ۱، صفحه ۱۰۴.
۲. اکبری دهنو، میثم و محمدباقر پارساپور، ۱۳۹۱، تأملی فقهی و حقوقی، در وضعیت ید امین پس از عدول از تفصیر، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۳۶، شماره ۲، صفحات ۸۵-۸۴.
۳. اکبری دهنو، میثم، مرتضی شهبازی نیا، محمدباقر پارساپور، محمدحسین یآوری، مطالبه تضمین از متعهد پیش از حلول اجرای تعهدات قراردادی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال اول، شماره دوم، صفحه ۶۹.
۴. السنهوری، عبدالرزاق، ۱۹۶۷ م. مصادر الحق فی فقه الاسلامی، جلد اول، جامعه العدل العربیه، قاهره، چاپ سوم، صفحه ۵۹.
۵. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، جلد ۱، منشورات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق، صفحه ۴۱۶.

۶. بابایی، ایرج، ۱۳۹۰، حقوق بیمه، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، صفحه ۸۸-۱۲۹.
۷. بادینی، حسن، ۱۳۸۷، قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحه ۴۰.
۸. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، جلد ۱۳، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق. صفحه: ۳۰۱.
۹. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، ۱۴۲۶ ه. ق (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع))، ۳ جلد، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، صفحه ۳۲۵.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه. ق، صفحه ۲۵۶.
۱۱. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۲۱ ه. ق. دروس فی علم الاصول، جلد دوم، انتشارات مرکز دروس تخصصی شهید صدر، قم، صفحات ۴۲۳-۴۲۰.
۱۲. صفایی، سید حسین، حبیب‌الله رحیمی، ۱۳۹۲، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۵۴-۵۱.
۱۳. قافی، حسین، سعید شریعتی، ۱۳۹۲، اصول فقه کاربردی، اصول عملیه و تعارض ادله، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، صفحات ۲۰.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، الزام‌های خارج از قرارداد- مسئولیت‌های خاص و مختلط، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم، صفحات ۲۴۲، ۲۵۲.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹ الف، الزام‌های خارج از قرارداد- قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ نهم، صفحه ۵۳۵.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹ ب، عقود معین - عقود اذنی، وثیقه‌های دین، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، صفحات ۵۹۱-۵۹۰، ۵۲۴.
۱۷. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۹، قواعد فقه - بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ بیست و چهارم، صفحه ۱۱۵.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۷، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پنجم، صفحات ۳۶-۳۹.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۶ ه ق، الانوار الاصول، جلد سوم ۳، انتشارات نسل جوان، قم، صفحات ۳۶-۳۹.
۲۰. مولودی، محمد، ۱۳۸۳، قائم مقام خاص متعاقدين، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، صفحه ۲۱۹.
۲۱. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المجله، جلد ۲، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف - عراق، چاپ اول، ۱۳۵۹ ه ق، صفحه ۲۲۰.
۲۲. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، حاشیه کتاب مکاسب، در یک جلد، انتشارات جناب مؤلف، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه ق، صفحه ۱۱۷.
23. Birds. J & N. J. Hird, 2001, Birds modern insurance law, publisher kluwer law, p:203.
24. Cena, peter. 2006, Atiyah accident, Compensation and the law. Seventh Edition Combridge. P: 377.